

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## علوم و فنون ادبی (۳)

رشته های ادبیات و علوم انسانی – علوم و معارف اسلامی

پایه دوازدهم

دوره دوم متوسطه



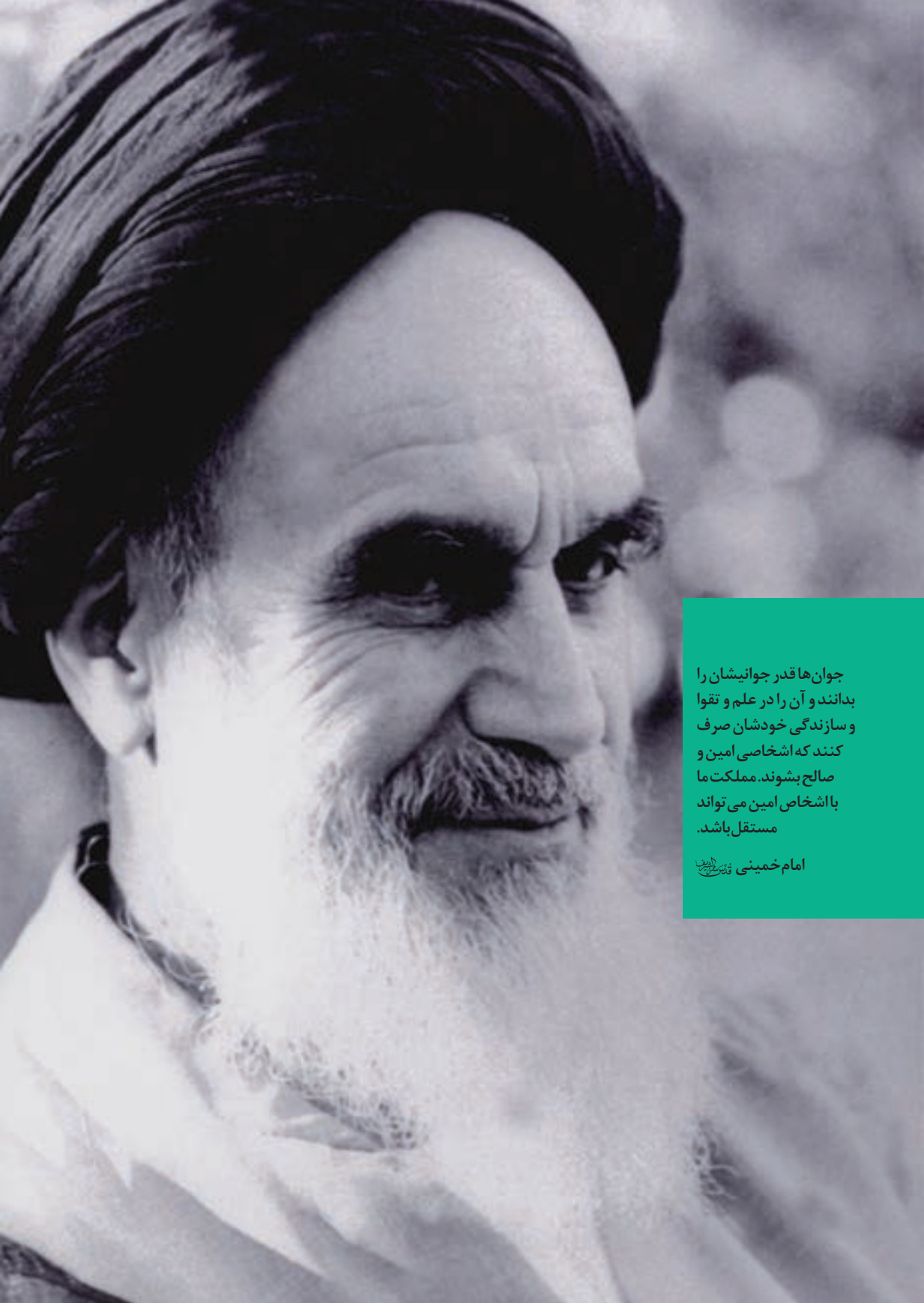
وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:	علوم و فنون ادبی (۳) - پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۲۲۰۳
پدیدآورنده:	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:	محمی‌الدین بهرام‌محمدیان، حسین قاسم‌پور مقدم، احمد تمیم‌داری، عباسعلی وفائی، حسن ذوالفقاری، محمدرضا سنگری، شهناز عبادتی، علی شیوا و محمدنوریان (اعضای شورای برنامه‌ریزی) حسین قاسم‌پور مقدم، احمد خاتمی، علی اکبر کمالی‌نهاد، علی واسو جویباری و نادره شاه‌آبادی (اعضای گروه تألیف) - نصرت‌اله صادقلو (ویراستار)
مدیریت آماده‌سازی هنری:	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی:	احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری و طراح جلد) - الهه یعقوبی‌نیا (صفحه‌آرا) - مرضیه اخلاقی، فاطمه صغری ذوالفقاری، زهرا رشیدی مقدم، کبری اجابتی و ناهید خیام باشی (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان:	تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۹۲۶۶۰۸۸۳، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وب‌گاه: <a href="http://www.irtextbook.ir">www.irtextbook.ir</a> و <a href="http://www.chap.sch.ir">www.chap.sch.ir</a>
ناشر:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
چاپخانه:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص» چاپ اول ۱۳۹۷
سال انتشار و نوبت چاپ:	

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۳۱۰۱-۳

ISBN: 978-964-05-3101-3



جوان‌ها قدر جوانیشان را  
بدانند و آن را در علم و تقوا  
و سازندگی خودشان صرف  
کنند که اشخاصی امین و  
صالح بشوند. مملکت ما  
با اشخاص امین می‌تواند  
مستقل باشد.

امام خمینی رهبر

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

## ۶ پیش‌گفتار

## ۱۰ ستایش: دریای لطف

## ۱۱ فصل یکم

۱۲ درس یکم: تاریخ ادبیات قرن‌های دوازدهم و سیزدهم (دوره بازگشت و بیداری)

۲۱ درس دوم: پایه‌های آوایی ناهمسان

۲۸ درس سوم: مراعات نظیر، تلمیح و تضمین

۳۷ کارگاه تحلیل فصل

## ۴۱ فصل دوم

۴۲ درس چهارم: سبک‌شناسی قرن‌های دوازدهم و سیزدهم (دوره بازگشت و بیداری)

۴۸ درس پنجم: اختیارات شاعری (۱): زبانی

۵۷ درس ششم: لف و نشر، تضاد و متناقض‌نما

۶۴ کارگاه تحلیل فصل

## ۶۷ فصل سوم

۶۸ درس هفتم: تاریخ ادبیات قرن چهاردهم (دوره معاصر و انقلاب اسلامی)

۸۳ درس هشتم: اختیارات شاعری (۲): وزنی

۸۸ درس نهم: اغراق، ایهام و ایهام تناسب

۹۳ کارگاه تحلیل فصل

## ۹۵ فصل چهارم

۹۶ درس دهم: سبک‌شناسی دوره معاصر و انقلاب اسلامی

۱۰۴ درس یازدهم: وزن در شعر نیمایی

۱۱۲ درس دوازدهم: حسن تعلیل، حس آمیزی و اسلوب معادله

۱۱۸ کارگاه تحلیل فصل

## ۱۲۲ نیایش

## ۱۲۳ منابع



پیش‌گفتار

# سخن‌با دبیران ارشد

برنامه‌ی درسی زبان و ادبیات فارسی در نظام آموزشی ایران اسلامی، جایگاهی ارزشمند دارد؛ چرا که از یک سو حافظ میراث فرهنگی و از سوی دیگر مؤثرترین ابزار انتقال علوم، معارف، ارزش‌های اعتقادی، فرهنگی و ملی است. ادب و فرهنگ ایران اسلامی، عصاره‌ی افکار و اندیشه‌های ملتی فرهیخته و دانشور است که در نشیب و فراز حادثه‌ها، با تکیه بر باورهای ریشه‌دار خویش، میراثی ارجمند و گران‌سنگ را به یادگار گذاشته است. توانایی و مهارت در خوانش، بررسی و تحلیل این آثار ارزشمند، خواننده را با گنجینه‌ی گران‌بهای متون ادبی گذشته و امروز آشنا می‌سازد و او را به سیر و سلوک در آفاق روشن و گسترده‌ی معرفت و حقیقت توانمند می‌نماید. برای تحقق این هدف برنامه‌ی درسی زبان و ادبیات فارسی، بایسته و شایسته است دانش‌آموزان ضمن آشنا شدن با علوم ادبی، در فنون ادبی نیز مهارت لازم را کسب کنند تا از این طریق بتوانند در زندگی خود با آثار ادبی برخوردی مناسب داشته باشند.

بر این اساس، کتاب علوم و فنون ادبی پایه‌ی دوازدهم نیز همانند کتاب‌های پایه‌ی دهم و یازدهم، از چهار فصل تشکیل شده است. محتوای



هر فصل نیز شامل سه درس به صورت ترکیبی از علوم و فنون ادبی به شرح زیر است:

■ **درس یکم:** تاریخ ادبیات و سبک شناسی؛

■ **درس دوم:** موسیقی شعر (عروض)؛

■ **درس سوم:** زیبایی شناسی شعر (آرایه‌های ادبی).

هر فصل با درس تاریخ ادبیات یا سبک شناسی آغاز می‌شود. در درس‌های تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، سیر تاریخی زبان و ادبیات فارسی از قرن دوازدهم تا امروز تبیین می‌شود و در کنار ویژگی‌های تاریخی، به ویژگی‌های سبکی آثار نظم و نثر ادبی نیز پرداخته می‌شود. به این ترتیب خواننده با ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری متون ادبی آشنا می‌شود. بدین ترتیب در هر فصل بعد از تاریخ ادبیات یا سبک‌شناسی، یک درس عروض آموزش داده می‌شود تا خواننده با یادگیری آن بتواند در برخورد با متون نظم وزن آن را تشخیص دهد. درس سوم هر فصل به زیبایی شناسی می‌پردازد. در زیبایی شناسی دانش آموز با سطحی دیگر از قلمرو ادبی؛ یعنی با بدیع معنوی (مراعات نظیر، تلمیح، تضمین و...) آشنا می‌شود و آموخته‌هایش را در متون ادبی به کار می‌بندد.

برای تعمیق آموخته‌ها مجموعه فعالیت‌هایی در متن و پایان درس‌ها و فصول طراحی و تدوین شده است. فعالیت‌های متن درس مطالب خاصی را در حین آموزش دنبال می‌کند. فعالیت‌های پایان دروس دانش آموز را به کسب مهارت در فنون ادبی آموخته شده ترغیب می‌کند. فعالیت‌های پایان فصول نیز با عنوان کارگاه تحلیل، نمونه‌هایی در اختیار خواننده می‌گذارد تا موارد آموخته شده در کل فصل را به طور عملی به کار بندد. نمونه‌های طرح شده در فعالیت‌ها، برگرفته از متون ادبی است و با محتوای درس کاملاً پیوسته است که انجام دقیق این تمرین‌ها به درک و فهم بهتر متن، کمک می‌کند.

به همین منظور و برای اثربخشی بهتر فرایند آموزش، توجه همکاران ارجمند را به نکات زیر، جلب می‌کنیم:

■ **رویکرد خاص برنامه فارسی آموزشی، رویکرد مهارتی است؛** یعنی بر آموزش و تقویت مهارت‌های زبانی، فرازبانی و ادبی تأکید دارد و ادامه منطقی کتاب‌های فارسی دوره



ابتدایی، دوره متوسطه اول و پایه دهم است؛ به همین روی، لازم است همکاران گرامی از ساختار و محتوای کتاب‌های پیشین، آگاهی داشته باشند.

■ رویکرد آموزشی کتاب، رویکرد فعالیت بنیاد و مشارکتی است؛ بنابراین، طراحی و به کارگیری شیوه‌های آموزشی متنوع و روش‌های همیاری و گفت‌وگو توصیه می‌شود. حضور فعال دانش‌آموزان در فرایند یاددهی — یادگیری، کلاس را سرزنده، بانشاط و آموزش را پویاتر می‌سازد و به یادگیری، ژرفای بیشتری می‌بخشد.

■ با توجه به رویکرد مهارتی، آنچه در بخش بررسی متن اهمیت دارد؛ کالبد شکافی عملی متون است. در این بخش فرصت می‌یابیم تا متن‌ها را پس از خوانش، در سه قلمرو بررسی کنیم. این کار، سطح درک و فهم فراگیران را نسبت به محتوای اثر، فراتر خواهد برد. یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌های بررسی، کالبد شکافی و تحلیل هر اثر، این است که متن در سه قلمرو بررسی شود: زبانی، ادبی و فکری.

### ۱. قلمرو زبانی

این قلمرو، دامنه گسترده‌ای دارد؛ از این رو، آن را به سطوح کوچک‌تر تقسیم می‌کنیم: الف) سطح واژگانی: در اینجا، لغت‌ها از نظر فارسی یا غیرفارسی بودن، نوع ساختمان (ساده، مشتق و مرکب)، روابط معنایی کلمات از قبیل مترادف، تضاد، تضامن، تناسب، نوع گزینش و همچنین درست‌نویسی واژه‌ها بررسی می‌شود؛ ب) سطح دستوری یا نحوی: در اینجا، متن از دید ترکیبات و قواعد دستوری، کاربردهای دستوری تاریخی و کوتاهی و بلندی جمله‌ها بررسی می‌شود.

### ۲. قلمرو ادبی

در اینجا، شیوه نویسنده در به کارگیری عناصر زیبایی آفرین در سطح‌های زیر، بررسی می‌شود:

الف) سطح آوایی یا موسیقایی: در این مرحله، متن را از دید وزن، قافیه، ردیف و آرایه‌های بدیع لفظی مثل واج‌آرایی، تکرار، سجع، جناس و ... بررسی می‌کنیم؛  
 ب) سطح بیانی: بررسی متن از دید مسائل علم بیان نظیر تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه؛  
 پ) سطح بدیع معنوی: بازخوانی متن از دید تناسب‌های معنایی همچون تضاد، ایهام، مراعات نظیر و ...

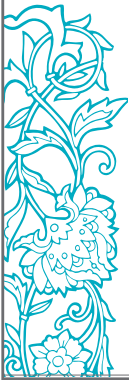




### ۳. قلمرو فکری

در این مرحله، متن از نظر ویژگی‌های فکری، روحیات، اعتقادات، گرایش‌ها، نوع نگرش به جهان و دیگر جنبه‌های فکری، بررسی می‌شود.

■ در آموزش، به‌ویژه، در درس‌های تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، از بیان مطالب اضافی که به انباشتِ دانش و فرسایشِ ذهنی دانش‌آموزان، منجر می‌شود، پرهیز گردد. امیدواریم آموزش این کتاب، به رشد و شکوفایی زبان و ادب فارسی و پرورش شایستگی‌ها در نسل جوان، یاری رساند و به گشایش کرانه‌های امید و روشنایی، فراروی آینده‌سازان ایران عزیز بینجامد.



گروه زبان و ادبیات فارسی  
دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

[www.literature-dept.talif.sch.ir](http://www.literature-dept.talif.sch.ir)





## ستایش

### دریای لطف

شکر و سپاس و منت و عزت خدای را پروردگار خلق و خداوند کبریا  
دادار غیب‌دان و نگهدار آسمان رزاق بنده‌پرور و خلاق رهنما  
اقرار می‌کند دو جهان بر یگانگیش یکتا و پشت عالمیان بر درش دوتا  
ارباب شوق در طلبت بیدل‌اند و هوش اصحاب فهم در صفتت بی‌سرنده و پا  
دریای لطف اوست و گرنه سحاب کیست تا بر زمین مشرق و مغرب کند سخا  
یاد تو روح‌پرور و وصف تو دل‌فریب نام تو غم‌زدای و کلام تو دل‌ربا  
در کمترین صنع تو مدهوش مانده‌ایم ما خود کجا و وصف خداوند آن کجا؟  
گر خلق تکیه بر عمل خویش کرده‌اند ما را بس است رحمت و فضل تو متکا  
یارب قبول کن به بزرگی و فضل خویش کان را که رد کنی، نبود هیچ ملتجا  
ما بندگان حاجتمندیم و تو کریم حاجت همیشه پیش کریمان بود روا  
کردی تو آنچه شرط خداوندی تو بود ما درخور تو هیچ نکردیم ربنا



# فصل یکم

تاریخ ادبیات قرن های دوازدهم و سیزدهم  
(دوره بازگشت و بیداری)

درس یکم

پایه های آوایی ناهمسان

درس دوم

مراعات نظیر، تلمیح و تضمین

درس سوم

\* کارگاه تحلیل فصل

## درس یکم

# تاریخ ادبیات قرن‌های دوازدهم و سیزدهم (دورهٔ باگشت بیدار)

از انقراض دولت صفویه تا آغاز سلطنت فتحعلی شاه قاجار، یعنی در دوران حکومت‌های افشاریه، زندیه و ابتدای دورهٔ قاجار، رشد و شکوفایی قابل توجهی در تاریخ ادبیات ایران دیده نمی‌شود. در این دوره شاعران از سبک هندی روی برگردانده‌اند اما هنوز تأثیرهایی از آن سبک و نیز مکتب وقوع در آثارشان مشاهده می‌شود. مشتاق اصفهانی در زمان نادرشاه و کریم خان زند، با همراهی چند تن دیگر از ادیبان، انجمن ادبی اصفهان را اداره می‌کرد.

با روی کار آمدن سلسلهٔ قاجار و تثبیت حکومت مرکزی در ایران، بازگشت به شیوه و الگوی گذشتگان در ادبیات، پررونق‌تر از گذشته بود. عبدالوهاب نشاط، انجمن ادبی نشاط را تأسیس کرد؛ پس از آن انجمن ادبی خاقان به ریاست فتحعلی شاه در تهران تشکیل شد. هدف این انجمن رهایی بخشیدن شعر فارسی از تباهی و انحطاط اواخر دورهٔ صفوی و دوره‌های بعد از آن بود اما برای رسیدن به این هدف، راهی جز تقلید از آثار پیشینیان در پیش نگرفتند و به همین خاطر شعر را به دوران گذشته، بازگرداندند و موجب پیدایش «سبک بازگشت» شدند که می‌توان آن را حد واسط سبک هندی و سبک دورهٔ بعد یعنی دورهٔ بیداری دانست.





در ایجاد نهضت بازگشت ادبی عوامل زیر تأثیر داشتند:

۱ تاراج کتابخانه اصفهان که سبب شد تعدادی از کتاب‌های کتابخانه سلطنتی به دست مردم افتد و ارتباط مجدد اهل ذوق با ادب کهن برقرار شود؛

۲ توجه به ادبیات در دربار قاجاریه و رونق بازار شعر و شاعری و مدح شاهان؛

۳ تضعیف جامعه بر اثر شکست ایران از روسیه تزاری.

شاعران دوره بازگشت به سبب فقر فرهنگی جامعه و سستی و رخوت حاکم بر ادبیات، به پیروی از اسلوب‌های کهن پرداختند و در سطوح زبانی، ادبی و فکری سبک خراسانی و عراقی را مورد توجه قرار دادند؛ به طوری که زبان، تخیل و اندیشه در این سبک تکرار شنیده‌هاست. هاتف اصفهانی از معروف‌ترین شاعران این عهد است.

گروهی از شاعران دوره بازگشت به قصیده‌سرایی به سبک شاعران خراسانی و عهد سلجوقی پرداختند؛ افرادی مانند صباي کاشانی، قالی شیرازی و سروش اصفهانی از این گروه‌اند. گروه دیگر غزل‌سرایی به سبک حافظ، سعدی و دیگر شاعران سبک عراقی را پیش گرفتند. شاعرانی مانند مجمر اصفهانی، فروغی بسطامی و نشاط اصفهانی از این گروه‌اند. هر چند شاعران این دوره باعث نوآوری و تکامل قابل توجهی در شعر فارسی نشدند، اما از این جهت اهمیت دارند که توانستند زبان شعر را از آن حالت سستی که در اواخر سبک هندی در شعر به وجود آمده بود، نجات بخشند. اگر این نهضت به پا نشده بود، چه بسا زبان فاخر شعر فارسی دچار سستی و ضعف بیشتری می‌شد.

از اواسط دوره قاجار اندک‌اندک مباحثی در مورد علل شکست و عقب‌افتادگی ایران در جامعه مطرح شد و همراه با آن شعر دوره بازگشت نیز با انتقاد روبه‌رو شد. موضوعات جدید در جامعه و ادبیات پیش آمد و اصطلاحات و لغات غربی نیز وارد شعر شد. شعر در این دوره دوباره بین مردم آمد و صدای فریاد آنها شد. شاعران خود را وقف مردم کردند و به محتوا بیش از صورخیال و جنبه‌های شاعرانه توجه داشتند. آنان به این نتیجه رسیده بودند که در شعر باید تغییر و دگرگونی ایجاد شود تا بتواند مسائل و پدیده‌های تازه را در خود جای دهد. سفرهای شاهان قاجار به فرنگ، موجب آشنایی آنان با تحولات جهانی شد. در پی آن تحصیل‌کردگان و روشن‌فکران ایران هم‌گام با تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی



بیداری جامعه ایرانی را سرعت بخشیدند. در کنار اندیشه‌های روشن‌فکران داخلی و خارجی و انتشار افکار آزادی‌خواهانه تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران و جهان، کشور را به سوی تحولی بزرگ سوق داد که روی به نوآوری و نوگرایی داشت؛ به این ترتیب در ایران حرکتی ایجاد شد که هم ضد استبداد بود و هم ضد استعمار؛ در نهایت به صدور فرمان مشروطیت با امضای مظفرالدین‌شاه در سال ۱۳۲۴ ه. ق. انجامید.

عوامل زیر در بیداری جامعه مؤثر بودند:

- ۱ تأثیر جنگ‌های نافرجام ایران و روس و توجه مردم به واقعیت‌ها و امکانات فنی دنیای جدید؛
- ۲ کوشش‌های عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی شاه در روی آوردن به دانش و فنون نوین؛
- ۳ اعزام دانشجویان ایرانی به خارج از کشور برای تحصیل؛
- ۴ رواج صنعت چاپ و روزنامه‌نویسی و ترجمه و نشر کتاب‌های غربی؛
- ۵ تأسیس مدرسه دارالفنون به فرمان امیر کبیر و آموزش دانش‌های نوین در آن.

### وضعیت عمومی زبان و ادبیات

در دوره بیداری، شعرای آزادی‌خواه و گروهی از روشن‌فکران به نقد شرایط موجود پرداختند که با مخالفت دولت همراه بود؛ افرادی مثل ملک‌الشعراى بهار، نسیم شمال، میرزا فتحعلی آخوندزاده، عبدالرحیم طالبوف و میرزا آقاخان کرمانی از آن دسته بودند. در نتیجه فصل جدیدی در ادبیات فارسی پدید آمد. به این نوع از ادبیات که گویای اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن روزگار است، «ادبیات بیداری» یا «ادبیات مشروطه» گفته‌اند. ادبیات بیداری با ظهور مفاهیمی نو مثل آزادی، وطن، قانون‌خواهی و مبارزه با استبداد و استعمار شکل گرفت. همچنین در کنار این مفاهیم بحث از حقوق اجتماعی، برانگیختن احساسات ملی و میهنی، توجه به فراگیری علوم جدید، پیکار با بیگانه و بیگانه‌خواهی، انتقاد از نابسامانی‌ها، نفی عقاید خرافی در جامعه و سخن از حقوق زنان نیز در جایگاه بعدی قرار داشت.



## شعر

در این دوره ادبیات — به ویژه شعر — برای آنکه بتواند با توده مردم ارتباط برقرار کند، زبان محاوره را برگزید تا قابل فهم تر باشد و مفاهیم جدید را با زبانی ساده انتقال دهد. به این ترتیب نهضت ساده نویسی همراه با نهضت آزادی خواهی شکل گرفت و نویسندگان و شاعران مظاهر استبداد و استعمار را نقد می کردند و برای بیان دیدگاه خود زبان ادبی را برمی گزیدند. شعر از نظر آنان بیان هنرمندانه واقعیات و وسیله ای برای بهبود زندگی بود که از طریق روزنامه ها و مطبوعات در اختیار مردم قرار می گرفت.

در عصر بیداری به دلیل تمرکز عمده فعالیت های سیاسی و مطبوعاتی در تهران، شعر و ادب هم در پایتخت جلوه بیشتری داشت؛ حتی روزنامه نسیم شمال را که سید اشرف الدین در رشت منتشر می کرد، مردم تهران بیشتر می خواندند. بعد از تهران، تبریز از بازار سیاسی و مطبوعاتی پررونقی برخوردار بود.

## برخی از شاعران این دوره

## ■ ادیب الممالک فراهانی

میرزا محمدصادق امیری فراهانی که بعدها از جانب مظفرالدین شاه به ادیب الممالک ملقب شد، فعالیت اصلی اش روزنامه نگاری بود. وی سردبیری روزنامه مجلس را برعهده داشت. شعر ادیب از زندگی سیاسی او جدا نبود و دیوان او شامل قصاید، ترجیع بندها و مسمطهایی است که بسیاری از حوادث و اوضاع آن روزگار را بیان می کنند. وی در قصیده بیشتر از قالب های دیگر طبع آزمایی کرده و مضامین وطنی، سیاسی و اجتماعی در شعرش آشکارتر است. بیت زیر از سروده های اوست:

جنگ ننگ است در شریعت من جز پی پاس دین و حفظ وطن

## ■ سید اشرف الدین گیلانی

به نسیم شمال مشهور بود. او توانست با شعرهای ساده و عامیانه اش در میان مردم جایگاه مناسبی پیدا کند. شعرهای او که به زبان ساده و طنزآمیز در راه مبارزه با استبداد و عشق به وطن در روزنامه «نسیم شمال» به چاپ می رسید، در بیداری مردم بسیار مؤثر بود. از



نمونه‌های اشعار انتقادی او شعر «ای قلم» است که با بیت زیر آغاز می‌شود:

غلغلی انداختی در شهر تهران ای قلم خوش حمایت می‌کنی از شرع قرآن ای قلم

#### ■ ایرج میرزا

در به‌کارگیری تعبیرات عامیانه و آفریدن اشعاری ساده و روان مهارت بسیار داشت. در طنز، هجو و هزل چیره‌دست بود. در شعر وی اگرچه اندیشه‌های نوگرایانه وجود دارد، ولی جایگاه خانوادگی (از نوادگان فتحعلی شاه قاجار) و تفکرات شخصی او، مانع از آن می‌شود که در ردیف شاعران آزادی‌خواه مشروطه قرار گیرد. ایرج میرزا از شعرهای غربی نیز ترجمه‌هایی منظوم پدید آورده است که در نوع خود ابتکاری محسوب می‌شود؛ قطعه «قلب مادر» یکی از آن نمونه‌هاست که با بیت زیر آغاز می‌شود:

داد معشوقه به عاشق پیغام که کند مادر تو با من جنگ

#### ■ عارف قزوینی

شاعر وطنی و از موسیقی‌دانان بزرگ عهد مشروطیت بود. عرصه هنر وی تصنیف‌ها و ترانه‌های میهنی‌ای بود که در برانگیختن مردم و آزادی‌خواهی نقش بسیار مؤثری داشت. شعر عارف ساده و دور از پیچیدگی بود. وی مضامین وطن‌دوستی و ستیز با نادانی را با آوازی زیبا و پرشور می‌خواند. سوز و شوری که در شعر عارف نمایان است، نشان از دردمندی و عشق او به میهن است. بیت زیر از تصنیف معروف او انتخاب شده است:

از خون جوانان وطن لاله دمیده از ماتم سرو قدشان سرو خمیده

#### ■ محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا)

بهار علاوه بر آشنایی عمیق با زبان فارسی و ادبیات کهن، از مسائل روز جامعه نیز آگاهی داشت و این شناخت و توانمندی را در خدمت آزادی و وطن‌خواهی درآورد. او، با زبان حماسی و در سبک خراسانی شعر می‌سرود. بهار علاوه بر تحقیق و تدریس در دانشگاه، در حوزه سیاست و روزنامه‌نویسی نیز فعالیت داشت. از او در جایگاه شاعر و پژوهشگر آثاری مانند تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، سبک‌شناسی، تاریخ تطوّر نظم فارسی، دیوان اشعار و تصحیح‌های





ارزشمند و مقالات علمی بسیاری به جای مانده است. بیت زیر سرآغاز یکی از سروده‌های اوست:

من نگویم که مرا از قفس آزاد کنید      قفسم برده به باغی و دلم شاد کنید

### ■ فرخی یزدی

از شاعران شاخص این دوره است که او را به سبب آزادی خواهی، به زندان انداختند. تحت تأثیر شاعران گذشته، به ویژه مسعود سعد و سعدی بود. آشنایی با سعدی طبع فرخی را شکوفا ساخت. در دوره هفتم مجلس نماینده مردم یزد شد؛ ولی دست از اندیشه‌های پرشور آزادی خواهانه و وطن دوستانه برداشت و در نهایت جانش را در راه آزادی فدا کرد. بیت زیر سرآغاز یکی از سروده‌های اوست:

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی      دست خود ز جان شستم از برای آزادی

\*\*\*

### نثر فارسی در قرن‌های ۱۲ و ۱۳ (دوره بیداری)

در سال‌های انقلاب مشروطه در نثر فارسی دگرگونی‌هایی به وجود می‌آید که نثر را به سمت سادگی و بی‌پیرایگی سوق می‌دهد؛ از آن جمله می‌توان به رواج و گسترش روزنامه روی آوردن به ترجمه و ادبیات داستانی بر اثر ارتباط با ادبیات اروپا و تغییر مخاطب نوشته‌ها اشاره کرد. کسانی چون قائم‌مقام فراهانی، ناصرالدین شاه قاجار، عبدالرحیم طالبوف، میرزا آقاخان کرمانی، زین‌العابدین مراغه‌ای، علامه دهخدا و چند تن دیگر از نویسندگان، از پیشگامان نثر ساده این دوره بوده‌اند و نوشته‌های آنان به زبان مردم کوچه و بازار نزدیک‌تر شده‌است؛ بنابراین می‌توان موضوع‌ها و حوزه‌های ادبی نثر دوره مشروطه را بدین شرح ذکر کرد:

### ■ روزنامه‌نگاری

در سال‌های اول مشروطه بیشتر نویسندگان مطالب خود را در قالب مقاله در روزنامه‌ها منتشر می‌کردند. روزنامه‌های پرشماری در این دوره انتشار یافت که در بردارنده مطالب سیاسی، اجتماعی و گاه علمی بود؛ از مهم‌ترین روزنامه‌ها می‌توان «صور اسرافیل» با مدیریت میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل و «نسیم شمال» با مدیریت و نویسندگی سیداشرف‌الدین



گیلانی را نام برد که مسائل سیاسی، اجتماعی و... را با لحنی انتقادی و طنزآمیز بیان می‌کردند. مجله «بهار» که نشریه‌ای ادبی محسوب می‌شد، در سال‌های مشروطه به وسیله میرزا یوسف‌خان اعتصامی آشتیانی (پدر پروین اعتصامی) منتشر شد و پس از آن دو مجله «دانشکده» و «نوبهار» با مدیریت ملک‌الشعرا بهار به عرصه ظهور رسیدند.

### ■ داستان‌نویسی

داستان‌نویسی به شیوه جدید (رمان‌نویسی) در ادبیات کلاسیک فارسی سابقه ندارد و این نوع ادبی محصول یک قرن گذشته است. پیش از انقلاب مشروطه، نویسندگان ایرانی نوشتن رمان (داستان بلند) به مفهوم امروزی را از طریق ترجمه رمان‌های تاریخی غربی آغاز کردند. در عصر مشروطه بیشترین رویکرد نویسندگان به رمان‌های تاریخی بود؛ چرا که از سوی نوعی باستان‌گرایی و روحیه کاوشگرانه در شناخت هویت گذشته میان آنها حاکم بود و از سوی دیگر، به دلیل سیاست‌های رایج در جامعه، نگارش رمان‌های تاریخی و اجتماعی سطحی در قیاس با کارهایی مثل روزنامه‌نویسی یا نوشتن رمان سیاسی، دردسر کمتری داشت و بر این اساس، جز تعداد اندکی رمان تاریخی، رمان دیگری نوشته نشد. از میان رمان‌نویسان می‌توان به این نویسندگان اشاره کرد: محمدباقر میرزا خسروی با رمان «شمس و طغرا» و میرزا حسن‌خان بدیع با دو اثر «شمس‌الدین و قمر» و «داستان باستان».

### ■ نمایشنامه‌نویسی

نمایشنامه‌نویسی در ایران نوع ادبی جدیدی به شمار می‌رود و با این شکل غربی‌اش در ادب کهن سابقه‌ای ندارد. در دوره ناصرالدین شاه با رفت‌وآمد ایرانیان به اروپا، این نوع ادبی هم رواج یافت. اولین کسی که در ایران به نوشتن نمایشنامه فارسی پرداخت، میرزا آقا تبریزی بود که چند نمایشنامه کوتاه تألیف کرد. این نمایشنامه‌ها به سبب انتشار برخی از آنها در صدر مشروطه، تنها نمونه ادبیات نمایشی در این دوره محسوب می‌شود. زبان آنها مانند نثر داستانی قبل از مشروطه ساده، روان، بی‌تکلف و عوام‌فهم است.



### ■ ترجمه

فن ترجمه از عوامل مؤثر در رشد آگاهی و تحول اندیشهٔ ایرانیان در سال‌های قبل از مشروطه بود. ترجمهٔ آثار اروپایی در ایران با تأسیس چاپ‌خانه در زمان فتحعلی‌شاه آغاز شد. از میان مهم‌ترین آثار ترجمه شده در این دوره می‌توان از «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» اثر جیمز موریه نام برد که میرزا حبیب اصفهانی آن را ترجمه کرده است.

### ■ تحقیقات ادبی و تاریخی

تحقیقات ادبی و تاریخی در محدودهٔ تاریخی مشروطه به علت اشتغال اهل قلم به روزنامه‌نویسی و موضوعات دیگر، جاذبه‌ای نداشت. تنها اثر قابل‌توجه «تاریخ بیداری ایرانیان» تألیف ناظم‌الاسلام کرمانی است که موضوع آن تاریخ مشروطه است.

### برخی از نویسندگان این دوره

#### ■ قائم مقام فراهانی

از معروف‌ترین نویسندگان و سیاست‌مداران بزرگ این دوره است که علاوه بر خدمات و اقدامات بزرگ سیاسی، در ادبیات نیز بسیار مؤثر بود. قبل از وی سبک نویسندگان فارسی با تکلف و تصنع همراه بود. او با تغییر سبک نگارش، تکلف را در نثر از بین برد و مسائل عصر را با کاربرد زبان و اصطلاحات رایج و آمیخته به شعر و ضرب‌المثل‌های لطیف، به سبک گلستان سعدی نوشت و موجب اقبال عامه به نثر گردید. عبارات کوتاه او نیز گاه موزون و مسجع‌اند. قائم مقام احیاکنندهٔ نثر فارسی است و «منشآت» مهم‌ترین اثر قائم مقام است.

متن زیر از اوست:

«مخدوم مهربان من، از آن زمان که رشتهٔ مراودت حضوری گسسته و شیشهٔ شکیبایی از سنگ تفرقه و دوری شکسته، اکنون مدت دو سال افزون است که نه از آن طرف بریدی و سلامی و نه از این جانب قاصدی و پیامی، طایر مکاتبات را پر بسته و کلبهٔ مراودات را در بسته ...»

#### ■ علامه علی‌اکبر دهخدا

از پیشگامان نثر جدید فارسی است، شعر هم می‌سرود. وی با روزنامهٔ صور اسرافیل



همکاری داشت و مجموعه نوشته‌های طنزآمیز سیاسی - اجتماعی او با عنوان «چرند و پرند» در آن روزنامه منتشر می‌شد. دهخدا بعدها در استانبول روزنامه «سروش» را منتشر کرد. او در رواج نثر ساده و عامیانه که بعدها در داستان‌های محمدعلی جمال‌زاده و صادق هدایت به کار رفت، نقش مؤثری داشت. حاصل پژوهش‌های او در فرهنگ‌نویسی، کتاب ارزشمند «لغت‌نامه» است که مفصل‌ترین کتاب لغت زبان فارسی محسوب می‌شود. «امثال و حکم» از دیگر آثار اوست.

از نمونه‌های نثر اوست:

«ننه، هان! این زمین روی چیه؟ روی شاخ گاو، گاو روی چیه؟ روی ماهی، ماهی روی چیه؟ روی آب، آب روی چیه؟ وای وای! الهی روده‌ات ببره، چقدر حرف می‌زنی؟! حوصله سر رفت! آفتابه لگن شش دست، شام و ناهار هیچی! گفت نخور، عسل و خربزه با هم نمی‌سازند! نشنید و خورد. یک ساعت دیگر یارو را دید؛ مثل مار به خودش می‌پیچید. گفت: نگفتم نخور، این دو تا با هم نمی‌سازند؟ گفت: حالا که این دو تا خوب با هم ساخته‌اند که من یکی را از میان بردارند...»

## خودارزیابی

- ۱ دو تن از پیشگامان رمان‌نویسی قبل از مشروطه را نام ببرید و از هر کدام اثری بنویسید.
- ۲ مهم‌ترین عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر ادبیات عصر بیداری را بررسی کنید.
- ۳ ویژگی‌های شعر هر یک از شاعران زیر را بنویسید:  
فرخی یزدی، عارف قزوینی، ایرج میرزا
- ۴ شاخص‌ترین درون‌مایه‌های شعر فارسی در دوران بیداری را بیان کنید.
- ۵ نثر فارسی در دوره بیداری چه تحولاتی یافت؟
- ۶ چه عواملی در ایجاد نهضت بازگشت ادبی مؤثر بودند؟
- ۷ در شعر دوره بیداری از نظر زبانی چه تحولاتی دیده می‌شود؟
- ۸ توضیح دهید قائم مقام فراهانی در حوزه نثر فارسی چه جایگاهی دارد؟



## درس دوم

# پایه های آوایی ناهمسان

سال گذشته با اوزان همسان که از تکرار یکنواخت یک پایه آوایی و اوزان همسان دولختی که از تکرار متناوب دو پایه یا رکن حاصل می شود، آشنا شده ایم؛ لیکن می دانیم که در قلمرو شعر فارسی، وزن و موسیقی سروده ها، همواره از نوعی نظم آهنگین و موسیقی پیروی نمی کنند؛ بلکه در شعر فارسی، اوزان دل نشین و گوش نوازی وجود دارد که نظمی ناهمسان دارند. در این گونه وزن ها، «وزن واژه ها» ناهمگون و غیر تکراری اند.

به آهنگ خوانش بیت زیر، توجه کنید:

درد عشقی کشیده ام که مپرس      زهر هجری چشیده ام که مپرس

حافظ

دَرِ دِ عِشْ قِی	کِ شِی دِ اَم	کِ مَ پُرس	پایه های آوایی
زَه رِ هِج رِی	چِ شِی دِ اَم	کِ مَ پُرس	

پس از خوانش درست بیت و درک موسیقی و آهنگ آن، مرز پایه ها را مشخص نموده ایم و از طریق آهنگ پی برده ایم که پایه های آوایی بیت دارای نظمی ناهمسان است.



اکنون پس از تعیین پایه‌های آوایی، همین بیت را با وزن واژه‌ها و نشانه‌های هجایی آن می‌نویسیم.

کِ مِ پُرس	کِ شِ دِ اَم	دَرِ دِ عِشِ قِی	پایه‌های آوایی
کِ مِ پُرس	چِ شِ دِ اَم	زَه رِ هِجِ رِی	
فعلن	مفاعِلُنْ	فاعلاتن	وزن
-U U	- U -U	--U -	نشانه‌های هجایی

پس از تعیین مرز پایه‌ها و قراردادن وزن واژه‌ها و نشانه‌های هجایی، می‌بینیم که پایه‌های آوایی این بیت، نظم و چینشی ناهمسان دارند و تکرار نشده‌اند. هر مصراع این بیت از سه پایه آوایی ناهمسان «فاعلاتن مفاعِلن فعلن» تشکیل شده است.

وزن این بیت «فاعلاتن مفاعِلن فعلن» است.

اگر هجاهای بیت را به گونه‌ای دیگر بُرش بزنیم، تناسب آهنگ و نظم موسیقایی بیت از دست می‌رود.

درک خوش‌آهنگی و دل‌نشینی موسیقی شعر، به تربیت هوش موسیقایی و حافظه شنیداری ما وابسته است.

به پایه‌های آوایی بیت زیر توجه کنید:

به حُسن خُلق و وفا کس به یار ما نرسد      تو را در این سخن انکار کار ما نرسد

حافظ

بِ حُسنِ نِ خُلْ	قُ وَ فَا کَس	بِ یارِ ما	نَ رَسَد	پایه‌های آوایی
تُ را دَرین	سُ خَ نِنِ کا	رِ کارِ ما	نَ رَسَد	
مفاعِلن	فاعلاتن	مفاعِلن	فعلن	وزن
-U - U	--U U	-U - U	-U U	نشانه‌های هجایی



پس از خواندن درست بیت و درک پایه‌های آوایی، درمی‌یابیم که این بیت از چهار پایه آوایی تشکیل شده است. پایه‌های آوایی، وزن واژه‌ها و نشانه‌های هجایی این بیت به صورت ناهمسان آمده‌اند.

این بیت از چهار پایه آوایی ناهمسان «مفاعن فعلاتن مفاعن فعلن» تشکیل شده است. با کمی دقت درمی‌یابیم که پایه‌های آوایی این بیت را نمی‌توان به دسته‌های همسان تک پایه‌ای یا دولختی جدا کرد.

وزن این بیت «مفاعن فعلاتن مفاعن فعلن» است.

بنابراین نخست، هجاهای بیت را به صورت تکراری یا همسان یک پایه‌ای دسته‌بندی می‌کنیم؛ در صورتی که نظمی همسان حاصل نشد، آن را با نظم همسان دولختی می‌سنجیم؛ یعنی هجاها را به صورت ۴تایی ۳تایی یا ۳تایی ۴تایی برش می‌زنیم. اگر نظم برش‌های آوایی بیت، با هیچ یک از این شیوه‌ها ممکن نبود، با توجه به درک آهنگ و موسیقی بیت، پایه‌ها را به صورت نظم ناهمسان مشخص می‌کنیم و وزن آن را تعیین می‌کنیم. به بیت زیر توجه کنید:

ماه فرو ماند از جمال محمد سرو نباشد به اعتدال محمد

سعدی

ماه فُ رو	ما نَ دز جَ	ما لِ مُ حَم	مَد	پایه‌های آوایی
سَ ر و نَ با	شَد بَ ا ع تِ	د ا لِ مُ حَم	مَد	
مفتعلن	فاعلات	مفتعلن	فع	وزن
-U U -	U -U -	-U U -	-	نشانه‌های هجایی

بدان سان که دیده می‌شود، این بیت از چهار پایه آوایی تشکیل شده است.

وزن این بیت «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع» است.

به چپش پایه‌های آوایی بیت زیر دقت کنید:

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

مولوی



پایه‌های آوایی	بِن مای رُخ	کِ باغُ گُ	لِس تانَ ما	رِ زوست
وزن	مستفعلن	مفاعِلُ	مستفعلن	فعل
نشانه‌های هجایی	-U --	U U -U	-U --	-U

وزن این بیت «مستفعلن مفاعِلُ مستفعلن فَعَل» است.

توجه ۱

در ساماندهی نشانه‌های هجایی، همواره این گونه نیست که با یک روش، روبه‌رو باشیم؛ برش‌های آوایی بیت بالا براساس ۴ تایی ۴ تایی، دسته‌بندی شده‌است. اگر این بیت را به گونه‌ای دیگر جدا کنیم، وزن این بیت، «مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن» خواهد بود.

پایه‌های آوایی	بِن مای	رُخِ کِ باغُ	گُ لِس تانَ	ما رِ زوست
وزن	مفعولُ	فاعلاتُ	مفاعیلُ	فاعلن
نشانه‌های هجایی	U --	U -U -	U -- U	-U -

همچنین نشانه‌های هجایی این بیت:

از کرده خویشتن پشیمانم

جز توبه ره دگر نمی‌دانم

مسعود سعد

پایه‌های آوایی	اَز کَر دِ یِ	خِ ش تَن پَ	شِ ما نَم
وزن	مستفعلُ	فاعلاتُ	مستفعل
نشانه‌های هجایی	U U --	U -U -	---





را به دو صورت می‌توان سامان داد و وزن بیت را نیز به دو صورت «مستفعلُ فاعلاتُ مستفعل» یا «مفعولُ مفاعِلن مفاعیلن» می‌توان جدا نمود.

### توجه ۲

در تعیین مرز پایه‌ها و نیز دسته‌بندی هجاها (نشانه‌های هجایی)، نظم همسان، بر چینش و دسته‌بندی ناهمسان ترجیح دارد. برای مثال در بیت:

تارفت مرا از نظر آن چشم جهان بین      کس واقف ما نیست که از دیده چه هارفت

حافظ

هان بین	ران چَشمِ جَ	را از نَظَا	تا رَفت مَ	پایه‌های آوایی
ها رَفت	از دی دِ چِ	ما نیست کِ	کَس وا قِ فِ	
مستف	مستفعلُ	مستفعلُ	مستفعلُ	وزن
--	UU--	UU--	UU--	نشانه‌های هجایی

نظم همسان «مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مستف» بر نظم ناهمسان برتری دارد و وزن بیت را بهتر نشان می‌دهد، اگر چه نشانه‌های هجایی بیت را می‌توان به شیوه «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن» به صورت ناهمسان سامان داد.

### خودارزیابی

۱ با خوانش درست بیت‌ها و درک پایه‌های آوایی هر بیت، مشخص کنید که وزن کدام بیت همسان و کدام بیت ناهمسان است.

(الف) آب زنید راه را هین که نگار می‌رسد      مژده دهید باغ را بوی بهار می‌رسد

مولوی

(ب) دلم سر به هامون رها می‌پسندد      سرم بالش از صخره‌ها می‌پسندد

شهریار



(پ) باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟

محتشم کاشانی

(ت) گشته‌ام در جهان و آخر کار دلبری برگزیده‌ام که می‌رس

حافظ

(ث) دل نیست کبوتر که چو برخاست نشیند

از گوشه بامی که پریدیم، پریدیم

وحشی بافقی

(ج) شفای این دل بیمار جز لقای تو نیست طیب جان خرابم کسی و رای تو نیست

اسیری لاهیجی

۲ بیت‌های زیر را تقطیع هجایی کنید و مرز پایه‌های آوایی هر بیت را مشخص کنید.

(الف) راستی کن که راستان رستند راستان در جهان قوی دستند

اوحدی مراغه‌ای

(ب) محمد کافرینش هست خاکش هزاران آفرین بر جان پاکش

نظامی

(پ) با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است

ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

فرخی یزدی

(ت) آتش حبّ الوطن چو شعله فروزد از دل مؤمن کند به مجمره اسپند

ادیب‌الممالک فراهانی



۳ کدام بیت‌ها دو به دو از نظر وزن با هم یکسان اند؟

(الف) چو بشنوی سخن اهل دل، مگو که خطاست

سخن شناس نه‌ای، جان من، خطا اینجاست

حافظ

(ب) جانا نظری که ناتوانم      بخشا که به لب رسید جانم

عراقی

(پ) برداشته دل ز کار او بخت      درماند پدر به کار او سخت

نظامی

(ت) بیا به خانه‌ آلاها سرى بزنىم      ز داغ بادل خود حرف ديگرى بزنىم

قيصر امين پور

۴ نشانه‌های هجایی بیت‌های زیر را به دو صورت برش بزیند؛ پس از تعیین پایه‌های آوایی، وزن هر یک را بنویسید.

(الف) همّت طلب از باطن پیران سحرخیز      زیرا که یکی را ز دو عالم طلبیدند

فروغی بسطامی

(ب) کشتی شکستگانیم، ای باد شرطه برخیز

باشد که بازینیم دیدار آشنا را

حافظ

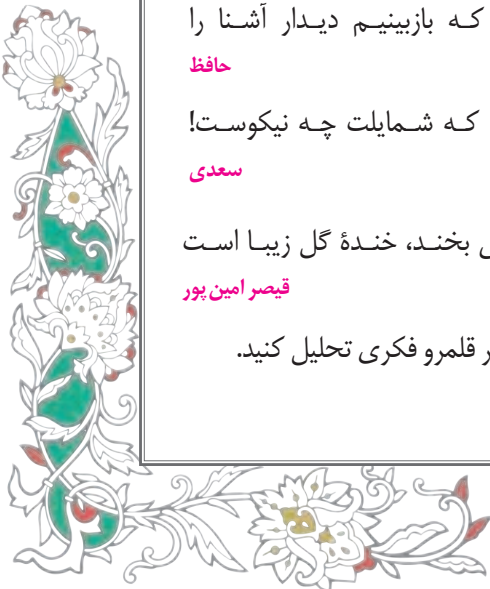
(پ) ای سرو بلند قامت دوست      وه وه که شمایلت چه نیکوست!

سعدی

(ت) لبخند تو خلاصه خوبی‌ها است      لختی بخند، خنده گل زیبا است

قيصر امين پور

۵ بیت ادیب‌الممالک را در خودارزیابی شماره ۲ از نظر قلمرو فکری تحلیل کنید.



## درس سوم

# مراعات نظیر، تلمیح و تضمین

بدیع در لغت به معنی تازه و نو است. در ادب فارسی به مجموعه آرایه‌هایی گفته می‌شود که بر زیبایی لفظی و معنایی سخن می‌افزایند؛ چه آنها که با تغییرات آوایی و موسیقایی سر و کار دارند؛ مثل: سجع، جناس، ترصیع و... - که در حوزه بدیع لفظی از آنها سخن به میان آمد - و چه آنها که از لطف تعبیر و زیبایی معنی به وجود می‌آیند؛ مانند: اغراق، ایهام، تضاد و... که در حوزه آرایه‌های معنوی جای می‌گیرند. در این کتاب به معرفی برخی از مهم‌ترین آرایه‌های بدیع معنوی خواهیم پرداخت:

### مراعات نظیر (تناسب)

در لغت مراعات تناسب‌ها و هماهنگی‌هاست و در اصطلاح ادبی آوردن واژه‌هایی در سخن است که با هم ارتباط معنایی (غیر از تضاد) داشته و یادآور یکدیگر باشند. زیبایی‌آفرینی مراعات نظیر در تعامل واژه‌هاست که خواننده از دریافت این ارتباط معنایی لذت می‌برد.





به نمونه‌های زیر توجه کنید:  
 من مسلمانم،  
 قبله‌ام یک گل سرخ  
 جانمازم چشمه، مهرم نور  
 دشت سجاده من

**سهراب سپهری**

در این شعر واژه‌های مسلمان، قبله، جانماز، مهر و سجاده ارتباط معنایی دارند. می‌توان گفت زیبایی و تناسب معنوی که در شعر وجود دارد، از هم‌نشینی این واژه‌ها به وجود آمده است.

بیستون کندن فرهاد نه کاری است شگفت شور شیرین به سر هر که فتد، کوهکن است

**همای شیرازی**

همان‌گونه که مشاهده می‌کنید، در بیت، واژه کوهکن با فرهاد، شیرین و بیستون تناسب دارد و تعامل معنایی این واژگان موجب زیبایی و تأثیرگذاری شعر شده است. نمونه‌هایی دیگر:

هر کاو نظری دارد با یار کمان ابرو باید که سپر باشد پیش همه پیکان‌ها

**سعدی**

چترها را باید بست  
 زیر باران باید رفت.

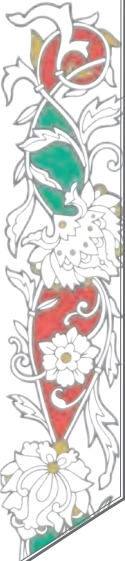
**سهراب سپهری**

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها؟

**حافظ**

سر من مست جمالت، دل من دام خیالت گهر دیده نثار کف دریای تو دارد

**مولوی**



گر چه گاهی شهابی  
 مشق‌های شب آسمان را  
 زود خط می‌زد و محو می‌شد  
 باز در آن هوای مه‌آلود  
 پاک‌کن‌هایی از ابر تیره  
 خط خورشید را پاک می‌کرد.

قیصر امین پور

### تلمیح

در لغت به معنی اشاره کردن با گوشه چشم است و در اصطلاح ادبی، آن است که سخنور در کلام خویش، به داستان، آیه، حدیث و مثل اشاره کند. تلمیح، گنجانیدن یک مفهوم بلند در سخنی کوتاه است که معانی بسیار را در کمترین واژه‌ها جای می‌دهد و این ایجاز از جهت هنری بسیار مهم و قابل توجه است.  
 به بیت زیر توجه کنید:

گفت آن یار کز او گشت سرِ دار بلند      جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد

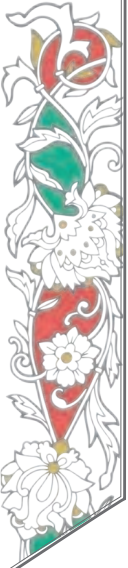
حافظ

شاعر با یادآوری داستان بر دار کردن حسین بن منصور حلاج، (عارف بزرگ قرن چهارم) بر موسیقی معنایی کلام افزوده است.<sup>۱</sup>  
 نمونه‌های دیگر:

این مه که چون منیژه لب چاه می‌نشست      گریبان به تازیانه افراسیاب رفت

فریدون مشیری

۱- ماجرا به این شکل بود که چون مشایخ آن زمان سخنان حلاج را درک نمی‌کردند، همگی فتوا به قتل او دادند. حلاج را به جرم اینکه حقایق الهی را بر ملا می‌کرد و همواره جمله معروفش (أنا الحق) را بر زبان داشت، به دار آویختند.



در این بیت شاعر با آوردن واژهٔ منیژه، تمام داستان بیژن و منیژه را در ذهن خواننده تداعی می‌کند و یادآوری داستان سبب لذت بیشتر خواننده می‌گردد.

یار بی‌پرده از در و دیوار در تجلی است یا اولی‌الابصار

هاتف اصفهانی

این بیت به آیهٔ ۱۱۵، سورهٔ بقره تلمیح دارد، «فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»

نمونه‌هایی دیگر:

نه خدا توانمش خواندنه بشر توانمش گفت متحیرم چه نامم شه ملک لا فتی را

شهریار

شاعر در این نمونه به حدیث: «لا فتی الا علی، لا سیف الا ذوالفقار» اشاره کرده است.

چون جواب احمق آمد خامشی این درازی در سخن چون می‌کشی

مولوی

شاعر در این بیت به مثل معروف «جوابُ الاحمقِ السکوتُ» اشاره کرده است.

عشرتی دارم به یاد روی آن گل در قفس

عشق افکنده است با یوسف به یک زندان مرا

رهی معیری

مجنون که به دیوانه‌گری شهرهٔ شهر است در دشت جنون همسفر عاقل ما بود

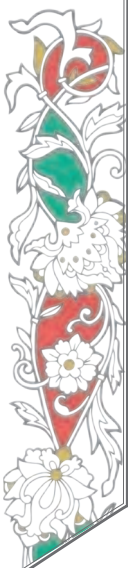
فرخی یزدی

جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او آن نور روی موسی عمرانم آرزوست

مولوی

یارب این آتش که بر جان من است سرد کن زان سان که کردی بر خلیل

حافظ



لازمهٔ دریافت معنی و زیبایی تلمیح یا شرط لذت بردن از این آرایه، آشنایی با آن داستان، آیه و حدیث است.

### تضمین

تضمین در لغت به معنی ضمانت کردن و متعهد شدن به انجام کاری است. در علم بدیع، آوردن آیه، حدیث، مصراع، بیت، یا سخن دیگری را در شعر یا کلام تضمین گویند. در تضمین شعر یا سخن دیگران، گاه به نام آن شاعر یا نویسنده اشاره شده و گاه نیز نام او به دلیل شهرت نیامده است. شاعر با استفاده از سخن دیگران یا آیه و حدیث می‌تواند مقصود خود را بهتر بیان کند و با ایجاد تنوع در ذهن خواننده، سبب التذاذوی گردد، همچنین آگاهی خود را از موضوعات مختلف به بهترین وجه نشان دهد.

به نمونه‌های زیر توجه کنید:

حافظ از جور تو، حاشا که بگرداند روی «من از آن روز که در بند توام، آزادم»  
حافظ در این بیت مصراعی از بیت سعدی را تضمین کرده است.

خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم کز نسیمش «بوی جوی مولیان آید همی»  
همچنین حافظ در این بیت یک مصراع از شعر رودکی را تضمین کرده است.

بهر این فرمود رحمان ای پسر «کل یوم هوفی شأن» ای پسر

#### مولوی

مولوی برای بهتر ادا کردن مقصود خویش آیه‌ای از قرآن را تضمین کرده است و موجب تنوع کلام شده است.

به نمونه‌های دیگر توجه کنید:

درویش بی‌معرفت نیارآمد تا فقرش به کفر انجامد؛ «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كَفْرًا.» **سعدی**

سعدی این حدیث را در سخن خویش تضمین کرده است. او با استفاده از این حدیث به



بهترین شکل، ارتباط بین کفر و فقر را نشان داده است.

چه زخم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم؟

که لسان غیب خوش تر بنوازد این نوا را

«همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی

به پیام آشنایی بنوازد آشنا را»

شهریار

شهریار در اثنای غزلش، بیتی را عیناً از حافظ تضمین کرده است.

در نمونه زیر:

مه من نقاب بگشا ز جمال کبریایی که بتان فروگذارند اساس خودنمایی

شده انتظارم از حد، چه شود ز در درآیی؟ «ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی

چه کنم که هست اینها گل باغ آشنایی»

هاتف اصفهانی بیتی از غزل فخرالدین عراقی را تضمین کرده است.

## خودارزیابی

۱ در نمونه‌های زیر آرایه‌ی مراعات نظیر بین کدام واژه‌ها ایجاد شده است؟ مشخص کنید.

**الف)** مه روشن میان اختران پنهان نمی‌ماند

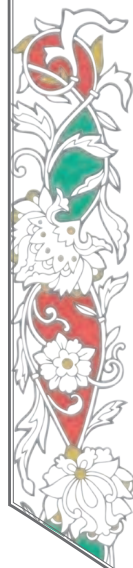
میان شاخه‌های گل مشو پنهان که پیدایی

رهی معیری

**ب)** چون در این میدان نداری دست و پایي همچو گوی

اختیار سر به زلف همچو چو گانش گذار

صائب تبریزی



(پ) باغ باران خورده می‌نوشید نور لرزشی در سبزه‌های تر دوید

سهراب سپهری

(ت) نرگس از چشمک زدن شد فتنه در صحن چمن

شیوه‌های چشم جادوی توام آمد به یاد

محتشم کاشانی

(ث) باغ بی‌برگی

روز و شب تنه‌است

با سکوت پاک غمناکش

ساز او باران، سرودش باد

اخوان ثالث

(ج) آتش آن نیست که از شعله‌ او خندد شمع آتش آن است که در خرمن پروانه زدند

حافظ

(چ) تا ز باغ خاطرت گل‌های شادی بشکفد،

هر چه در دل تخم کین داری، به زیر خاک کن

ملک الشعرای بهار

(ح) از اسب پیاده شو، بر نطع زمین رخ نه زیر پی پیلش بین شهبات شده نعمان

خاقانی

(خ) بمیر ای دوست پیش از مرگ اگر می‌زندگی خواهی

که ادريس از چنین مردن بهشتی گشت پیش از ما

سنایی

(د) دولت عشق بین که چون از سر فقر و افتخار

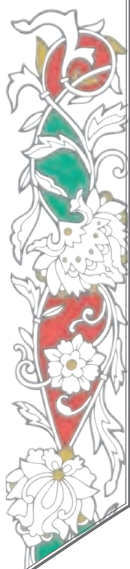
گوشه تاج سلطنت می‌شکند گدای تو

حافظ

(ذ) هر چه رفت از عمر، یاد آن به نیکی می‌کنند

چهره امروز در آیینۀ فردا خوش است

صائب تبریزی



۱) آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی دست خود ز جان شستم از برای آزادی

فرخی یزدی

۲) در ابیات زیر تلمیح را مشخص کنید و درباره آن توضیح دهید.

الف) حرفی است این که خضر به آب بقا رسید

زین چرخ دل سیه، دم آبی ندید کس

صائب تبریزی

ب) چشمی دارم چو لعل شیرین همه آب بختی دارم چو چشم خسرو همه خواب

جسمی دارم چو جان مجنون همه درد جانی دارم چو زلف لیلی همه تاب

خاقانی

پ) گواه رهرو آن باشد که سردش یابی از دوزخ

نشان عاشق آن باشد که خشکش بینی از دریا

سنایی

ت) من نمازم را وقتی می خوانم

که اذانش را باد گفته باشد

سر گل دسته سرو

من نمازم را پی تکبیرة الاحرام علف می خوانم

پی قد قامت موج.

سهراب سپهری

ث) دامن خاک شد ز بسد و لعل تاج فرعون و گنج دقیانوس

رهی معیری

ج) شور شیرین تو را نازم که بعد از قرن ها

هر که لاف عشق زد، نامی هم از فرهاد برد

فاضل نظری



چ) ناقه سنگین می رود در هر قدم گویی ز شوق

روح مجنون چنگ در دامان محمل می زند

طالب آملی

ح) در آینه دوباره نمایان شد

با ابر گیسوانش در باد

باز آن سرود سرخ آنالحق

ورد زبان اوست.

محمد رضا شفیعی کدکنی

۳ آرایه تضمین را در اشعار و عبارات زیر پیدا کنید و ارتباط تضمین را با قسمت‌های دیگر متن مشخص کنید.

الف) ایوب با چندین بلا، کاندرا بلا شد مبتلا پیوسته این بودش دعا: «الصبْرُ مفتاحُ الفرج»

سنایی

ب) گفت: غالب اشعار او (سعدی) در این زمین به زبان پارسی است. اگر بگویی، به فهم نزدیک تر باشد. «كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.»

گلستان سعدی

پ) مکن گریه بر گور مقتول دوست قل الحمد لله که مقبول اوست

بوستان سعدی

ت) چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت

شیوه «جنات تجری تحتها الانهار» داشت

حافظ

ث) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: «ما عبدناك حقَّ عبادتِك.»

سعدی

۴ شعر فرخی یزدی را در خودارزیابی (۱) از نظر قلمرو فکری تحلیل کنید.

۵ بیت را بعد از تقطیع هجایی، به دو صورت برش بزنیید و وزن آن را بنویسید:

بگشود گره ز زلف زر تار محبوبه نیلگون عماری

علی اکبر دهخدا





# کارگاه تحلیل فصل

۱ کدام یک از بیت‌های زیر دارای پایه‌های آوایی ناهمسان است؟ نشانه‌های هجایی و وزن هر یک را بنویسید.

(الف) ترک‌گدایی مکن که گنج بیابی از نظر رهروی که در گذر آید  
حافظ

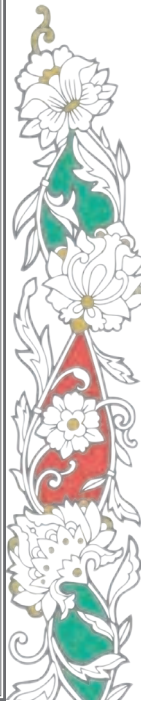
(ب) بیا عاشقی را رعایت کنیم زیاران عاشق حکایت کنیم  
سیدحسن حسینی

(پ) گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله زن، چهره نما تیزپا  
نیما یوشیج

(ت) دلا بسوز که سوز تو کارها بکند نیاز نیم‌شبی دفع صد بلا بکند  
حافظ

۲ نشانه‌های هجایی بیت‌های زیر را به دو صورت دسته‌بندی کنید. پس از تعیین پایه‌های آوایی، وزن هر یک را بنویسید.

(الف) دانست که دل اسیر دارد دردی نه دوپذیر دارد  
نظامی



(ب) دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

مولوی

(پ) دنیا نیرزد آن که پریشان کنی دلی زنه‌ار بد مکن که نکرده است عاقلی

سعدی

(ت) آبی‌تر از آنیم که بی‌رنگ بمیریم از شیشه نبودیم که با سنگ بمیریم

شهید محمد عبدی

۳ آرایه‌های مراعات نظیر، تلمیح و تضمین را در بیت‌های زیر مشخص کنید.

(الف) شعاع درد مرا ضرب در عذاب کنید مگر مساحت رنج مرا حساب کنید

قیصر امین پور

(ب) بی‌تربیت آزادی و قانون نتوان داشت

«سعصص» نتوان خواند نخوانده «کلمن» را

ملک الشعرا بهار

(پ) همچو فرهاد بود کوهکنی پیشه‌ما کوه‌ما سینه‌ما ناخن‌ما تیشه‌ما

ادیب نیشابوری

(ت) دستم نداد قوت رفتن به پیش دوست چندی به پای رفتم و چندی به سر شدم

سعدی

(ث) چند آن همه دیروز؟ چرا این همه امروز دستی به فراوانی فردا برسانیم

محمد رضا روزبه

۴ شعر زیر را از نظر ویژگی‌های تاریخی دوره بیداری بررسی نمایید.

ای مرغ سحر چو این شب‌تار بگذاشت ز سر سیاهکاری

وز نفعه روح‌بخش اسحار رفت از سر خفتگان خماری

بگشود گره ز زلف زر‌تار محبوبه نیلگون عماری

یزدان به کمال شد پدیدار و اهریمن زشت‌خو حصاری

یاد آرزو ز شمع مرده یاد آر

علی اکبر دهخدا

۵ شعر زیر را از نظر آرایه‌های بدیع معنوی بررسی کنید.

غلغلی انداختی در شهر تهران ای قلم    خوش حمایت می‌کنی از شرع قرآن ای قلم  
گشت از برق تو ظاهر نور ایمان ای قلم    مشکلات خلق گردد از تو آسان ای قلم  
نیستی آزاد در ایران ویران ای قلم

سید اشرف‌الدین گیلانی

